



۲۵/۰۲/۲۰۱۸



به قلم دوکتور نوراحمد خالدی

هویت شخصی و هویت ملی

NOOR KHALIDI-SATURDAY, FACEBOOK FEBRUARY 24, 2018

انسانها باتوجه به هویت نفوسی (دموگرافیکی) آنها باهمدیگر گروهبندی شده و یا از همدیگر جدا میشوند. اگر ما از کوچکترین واحد که فرد است آغاز و به بزرگترین واحد که انسان یا بشر است ختم کنیم، همانطوریکه محترم سیف فاضل نیز معتقد اند، یک انسان دارای هویت فردی یا شخصی (احمد/ناهد/...)، هویت جنسی (مرد/زن) هویت فامیلی یا خانواده گی (شربفی/ امیری/...)، هویت دینی (مسلمان/هندو/عیسوی/...)، هویت مذهبی (سنی/شیعه/...)، هویت محلی (دهمزنگی/شهرنوی...)، هویت شهری (چاریکاری/قندهاری/هراتی...)، هویت سمتی (قطغنی/پکتیاوال)، هویت قومی (پشتون/تاجیک/هزاره/ازبک/...)، هویت ملی (افغان/جرمن/روس/...)، هویت قاره ئی (اروپایی/آفریقایی/...)، هویت جیوپولیتیکی (شرقی/غربی/...)، هویت نژادی (سفید/سیاه/زرد/...) و هویت طبیعی (انسان) میباشد.

در حالیکه هویت قومی (پشتون/تاجیک/هزاره/ازبک/...) مبنای خونشریکی دارد، مبنای هویت ملی (افغان/جرمن/روس/...) را تعلق داشتن یک فرد یا تابعیت او به یک واحد جغرافیای سیاسی یا مملکت میباشد.

در دنیای امروز تمام کشورهای جهان از "اقوام" و گروه های مختلف انسانی تشکیل شده اند. در یکتعداد این کشور ها کشور خود را به نام "یکی" از اقوام خود، معمولاً بزرگترین قوم مسما ساخته اند مانند تاجکستان، ازبکستان، روسیه، جرمنی، فرانسه، ترکیه و غیره.

در افغانستان بآنکه نام کشور از نظر ممالک همسایه و دور و نزدیک ریشه قومی ندارد و مردم این کشورها (فارسیها، اعراب، هندیها، ترکها) بودند که تمام باشندگان این سرزمین را، در سه صد سال اخیر بدون تفکیک قومی آنها، "افغان" خطاب میکردند، اسم "افغانستان" به تدریج نظر به کاربرد روز افزون آن توسط خارجیها (بخصوص فارسیها، هندیها، انگلیسیها، روسها، ترکها) بالای این مملکت عام شد. به کرونولوجی آتی توجه کنید:

1. در سال ۱۷۸۲م در زمان سلطنت تیمورشاه جورج فورستر عبور از افغانستان از کشور و ملت افغانستان نام میبرد، (جورج فورستر، مسافرت از بنگال به انگلستان از طریق شمال هندوستان، افغانستان، فارس و روسیه، چاپ لندن، ۱۷۸۹م)؛
2. در سال ۱۷۸۹م حاجی ابراهیم وزیر اعظم دولت قاجار در مکتوب رسمی از کشور افغانستان نام میبرد (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر)؛
3. در سال ۱۷۸۹م وفادار خان وزیر اعظم شاه زمان در مکتوب رسمی به پاسخ وزیر اعظم قاجار از کشور افغانستان نام میبرد (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر)؛
4. در سال ۱۸۸۰م در معاهده دولت قاجار با انگلیسیها از دولت افغانستان نام میبرد (محمود محمود، تاریخ روابط انگلیس با ایران در قرن نهم)؛
5. در سال ۱۸۰۹م الفونستون از کشور افغانستان نام میبرد (مونتستوارت الفونستون، گزارش سلطنت کابل و قلمروهای تابعه آن در فارس، کشمیر و تاتاری، چاپ لندن ۱۸۴۲م)؛
6. در سال ۱۸۳۷م شاه قاجاری حین بازگشت بعد از شکست محاصره هرات در منشور خود از افغانستان نام میگردد، (محمود محمود، تاریخ روابط انگلیس با ایران در قرن نهم)؛
7. در سال ۱۸۳۸م وایسرای هند برطانوی قبل از شروع جنگ اول افغان و انگلیس از کشور و دولت افغانستان نام میبرد. (صدیق فرهنگ، افغانستان در پنج قرن اخیر)؛ و بالاخره
8. در نقشه های جغرافیای سیاسی زمان ترکیه عثمانی که در موزیم استانبول محفوظ است نام کشور امپراطوری ابدالی افغانستان نوشته شده است .

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پاروالي د لیکوال په غاره ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

اما در داخل افغانستان اقوام غیر پشتون به یک فرد پشتون "افغان" و به وطن او (جنوب کابل تا دریای سند) "افغانستان" می‌گفتند که مثالهای این نوع برداشت در کتابهای تاریخچه هرات سیف هروی و بابرنامه ظهیرالدین بابر که آن را واقعات بابری و توزک بابری نیز خوانده‌اند، (حوادث سال‌های ۸۹۹ تا ۹۳۶ق) منعکس شده است. حتی درباریان کابل تا زمان امیرحبیب الله خان از زبان پشتو به عنوان زبان افغانی یاد میکردند. بآنکه پشتونها معمولاً قوم خود را پشتانه/پختانه و زبان خود را پشتو/پختو می‌گویند اما نظر به عمومیت کلمه افغان از این کلمه نیز در معرفی خود استفاده کرده اند که در اشعار خوشحال خان و رحمان بابا منعکس است.

از سیف فاضل در فیسبوک نقل قول شده که: " اطلاق و استفاده از (ی نسبتی) با کلمه افغان دارای معنی و تابع دستور زبان است مانند افغانی یعنی آن شی یا چیزیکه به افغان نسبت داشته باشد. اما نسبت دادن اشخاص به کلمه افغان، نادرست است چون لغت افغان اسم خاص و صفت فاعلی دارد. از پیوند (ی نسبتی) با کلمه افغانستان، لغت افغانستانی بدست می‌آید که آنهم به معنای چیزی است که به افغانستان نسبت دارد. از آنجائیکه (افغان + ستان) به معنای سرزمین افغانان است، نسبت دادن شخص سوم به کشور افغانان، مهاجرمعنا می پذیرد یا میدهد. به عبارت ساده تر با این تعریف افغانستانی کسی است که از بیرون نسبتی با سرزمین افغانان داشته باشد. یعنی، این سرزمین اصلاً از افغانان است اما من افغانستانی ام، چون افغان نیستم، ناچار به نسبت داشتن به این مردم و کشورشان، اعتراف و اکتفا میکنم."

هویت قومی و هویت ملی مردم افغانستان در ماده چهارم قانون اساسی نافذ سال ۲۰۰۳م چنین تعریف شده است: "حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که بطور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند. ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد. بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود."

بنابراین طوریکه میبینیم هویت قومی اشخاص در قانون اساسی محفوظ است و هویت ملی افغان بودن داشتن تابعیت افغانستان است نه کدام عنصر قومی. بر این اساس تازمانیکه اسم این سرزمین افغانستان است ناگزیر مردم آن افغان هستند و هرگونه تلاش برای نادیده گرفتن قانون اساسی در این مورد عبث و بیهوده بوده بجز از ایجاد بحران بیلزوم، گذاشتن لکه های بی اعتمادی و تنفر هیچ نتیجه در بر ندارد.

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ